

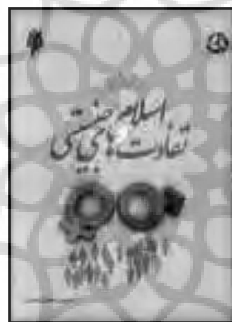
# اسلام و تفاوت‌های جنسیتی

نویسنده: حسین بوستان (نجفی)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۸۸

سیده فاطمه محبی / کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی



مطالب عمدتاً ناقص و پراکنده بررسی شده است. منابعی هم که به جنبه‌های اجتماعی مسائل زنان پرداخته‌اند، خالی از رویکردهای فقهی در پاسخگویی به مسائل است. مطالعه‌ی این اثر از آن رو سفارش می‌گردد که ضمن طرح مسائل اجتماعی با بهره‌گیری از استنباط‌های فقهی و نوآوری در این زمینه و با ردّ معیارها و شیوه‌های معمول در جوامع غربی، مباحث جنسیتی را در پارادایم فمینیسم و دیدگاه اسلام بررسی نموده است و بدین لحاظ کتابی منحصر به فرد تلقی می‌شود. هدف اصلی این کتاب از یک سو تعیین موارد تفاوت جنسیتی در اسلام با استفاده از روش استنباط فقهی و از سوی دیگر، ارزیابی و توجیه این تفاوت‌ها با بهره‌گیری از تحلیل‌های اساساً اجتماعی بوده است که مباحث مرحله‌ی نخست در قلمرو فقه یا تفسیر و مباحث مرحله‌ی دوم در قلمرو فلسفه اجتماعی جنسیت قرار می‌گیرند. آموزه‌های جنسیتی در اسلام عمدتاً نمود گسترده‌ای در نهاد خانواده دارند و در نهادهای دیگر کمتر این موضوع مطرح شده است. لذا در این کتاب تفاوت‌های جنسیتی در خانواده و تفاوت‌های جنسیتی در اجتماع به طور جداگانه تحلیل شده است. در دیدگاه اسلام مجموعه‌ای از تفاوت‌های ارزشی و حقوقی بین زن

یکی از پیامدهای چشمگیر تحولات اجتماعی قرن اخیر، توجه جدی به مسئله‌ی حقوق و جایگاه اجتماعی زنان بوده است. دستیابی به این حقوق عمدتاً بر مبنای معیارهای بین‌المللی و مبانی فکری غرب سنجیده می‌شود، شاخص‌هایی که بعضاً با مبانی دینی ناسازگار می‌باشند. این کتاب با هدف اتخاذ مواضع اصولی و آگاهانه و خودداری از واکنش‌های منفعلانه در برابر این جریانات، توجه ویژه‌ای را به مباحث جنسیتی از منظر اسلام نموده است. صاحب‌نظران فمینیست معتقدند فهم و شناخت زنان از واقعیت هستی با فهم و شناخت مردان تفاوت گوه‌ری دارد. لذا خواستار بازسازی معارف بشری با نگاه زنانه شده‌اند. اما این رهیافت نقد خود را در درونش می‌پرورد، زیرا اگر مردان ظرفیت لازم برای درک صحیح مسائل جنسیتی را ندارند، این مسئله دو سویه است و زنان نیز ظرفیت لازم برای درک صحیح مسائل جنسیتی را ندارند. در واقع ساحت‌های وجودی متمایز زن و مرد ضرورت استمداد از مرجعی فرا جنسیتی را در بازسازی، تبیین، ارزش‌گذاری و الگودهی مسائل جنسیتی آشکار می‌سازد. یکی از مطالبات کنونی جامعه آن است که آثار مکتوب موضع روشنی در تبادل مسائل زنان داشته باشند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که این انتظار به طور شایسته برآورده نشده و

آنان از نظر اسلام در سه دسته بررسی می‌شود:

۱. تفاوت‌هایی که با تفاوت‌های جنسی طبیعی پیوند نزدیکی دارند. مثل تفاوت زن و مرد در نیازهای جنسی، تمایز دختر و پسر در سن بلوغ قانونی و....
۲. تفاوت‌های که با تفاوت‌های جنسی طبیعی ارتباط مستقیم ندارند، اما یک ارتباط غیر مستقیم دارند. مانند تفاوت زن و مرد در حق مدیریت خانواده و تفاوت نقش‌های اجتماعی آنان.
۳. تفاوت‌های که با تفاوت‌های جنسی طبیعی ارتباط دشواری دارند همچون تفاوت زن و مرد در مسئله‌ی شهادت.

و اما در توجیه عقلانی تفاوت اجتماعی و حقوق زن و مرد سه خط استدلالی را می‌توان دنبال کرد:

۱. استناد به تفاوت‌های طبیعی جنسی
۲. استناد به کارکردهای مثبت تمایزات در سطح فردی و اجتماعی
۳. استناد به تعبد در برابر حکم شرعی

با توجه به این سنخ‌بندی به نظر می‌رسد شیوه‌ی دوم استدلال یعنی استناد به کارکردها بیشترین کارکرد را در توجیه عقلانی تمایزات زن و مرد داراست.

نویسنده در بخش اول کتاب (تفاوت‌های جنسیتی در خانواده) به مباحثی همچون همسرگزینی و ازدواج پرداخته است.

در این فصل سن ازدواج، پیشنهاد ازدواج، آشنایی پیش از ازدواج و آزادی دختران در انتخاب همسر و مهریه و درون‌همسری دینی اشاره شده است. فصل دوم کتاب نیز با عنوان کارکردهای حمایتی و مراقبتی خانواده به مباحثی چون حق جنسی شوهر و حق جنسی زن و ارضای نیازهای عاطفی و نقش مادری و پدری اختصاص یافته است. فصل سوم به مدیریت خانواده اختصاص یافته و در آن مباحث قوامیت، نشوز و حق کنترل تولید مثل، حقوق جنسی، غیرت جنسی، اطاعت زن از شوهر و اطاعت شوهر از زن، دخالت شوهر در شئون شخصی زن، حق طلاق و حضانت بحث شده است. در سه فصل مذکور مباحث از منظر نظریات جامعه‌شناسی و فمینیسم نیز کنکاش شده است و پاسخ دیدگاه اسلام در این خصوص به تفصیل بحث شده است.

بخش دوم کتاب تفاوت‌های جنسیتی در اجتماع را در نهاد دین آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست، حقوق و بهداشت مورد بررسی قرار می‌دهد.

وی در هر یک از این فصول تفاوت دیدگاه اسلام با رهیافت‌های فمینیستی را بررسی می‌نماید.

و مرد در کنار مجموعه‌ی گسترده‌ای از همسانی‌ها تأیید و تصویب شده است. به گونه‌ای که تفاوت‌های ارزشی و حقوقی زن و مرد هرگز به معنای تفاوت ارزش‌گذاری درباره‌ی خود زن و مرد نیست و جنسیت هیچ نسبتی با ارزشمندی حقیقی انسان ندارد. مهم‌ترین مصالح اسلام در این تفاوت‌ها، تقویت جایگاه خانواده، افزایش کارآمدی آن در جهت تأمین آرامش روانی همسران و پرورش فرزندان صالح و ارتقای سلامت اخلاقی جامعه و حمایت از جنس زن در برخی آسیب‌پذیری‌های خاص است.

پارادایم فمینیستی به ویژه در رویکرد لیبرال از نظر مبانی هستی‌شناختی، تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس مذکور مؤنث را نادیده می‌گیرد یا انکار می‌کند. از نظر ارزشی نیز صرفاً بر معیارهای دنیوی مانند ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی تکیه دارد و اصولاً ارزش‌هایی مانند حفظ مصالح عمومی جامعه، تربیت صحیح فرزندان و تأمین سلامت روان همسران را در راستای اهداف دنیوی تفسیر و ارزیابی می‌کند.

واضح است که با پذیرش مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی این پارادایم، تمایز جنسیتی هیچ توجیهی نخواهد داشت و از این رو باید از سر انعطاف و همدلی اذعان کرد که درخواست برابری جنسی از سوی زنان غربی که زیر نفوذ این پارادایم به سر می‌برند، با قطع نظر از اشکال‌های مبنایی آن، درخواستی منطقی بوده است. یعنی آن مقدمات به طور منطقی این نتیجه را در پی دارد. آن دسته از زنان غربی که با ارزش‌های دنیوی جامعه‌پذیر شده و تفاوتی ثابت و طبیعی میان خود و مردان نمی‌بینند، چنانچه از هرگونه تمایز جنسیتی اظهار ناراحتی نموده و در جهت کسب برابری و مشابهت کامل با مردان بکوشند، چندان قابل سرزنش نیستند؛ زیرا فرهنگ سکولاریستی غرب به این پرسش اساسی آنان که چرا منابع ارزشمند ثروت، قدرت، منزلت اجتماعی به طور عمده در اختیار مردان قرار دارند، پاسخ قانع‌کننده نمی‌دهد. در مقابل پارادایم اسلامی در مبانی هستی‌شناختی خود پاره‌ای تفاوت‌های جنسی طبیعی را مفروض می‌گیرد که گذشته از تفاوت‌های آشکار آناتومیک می‌توان به تفاوت در امیال جنسی و قدرت جسمی و برخی تفاوت‌های ذهنی و عاطفی زن و مرد اشاره کرد.

از نظر ارزشی نیز بر اصولی مانند مصالح عمومی جامعه، عفت، تربیت صحیح فرزندان و سلامت روانی همسران تأکید می‌کند، ضمن آن که ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی در چارچوب این پارادایم، ارزش تبعی و ثانوی می‌بایند، یعنی مطلوبیت آن‌ها تابعی از ارزش‌های والای دینی است و به خودی خود ارزشمند تلقی نمی‌شوند.

از دیدگاه اسلام وجود تفاوت‌های طبیعی زن و مرد که دارای منشأ زیستی است مفروض می‌باشد، که از آن جمله تفاوت در ویژگی‌های آناتومیک نیازهای جنسی و قدرت بدنی است.

تفاوت‌های جنسیتی در حوزه‌ی حقوق زن و مرد و نیز تفاوت اجتماعی